

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

۱۶ جنوری ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم غض البصر اول برای مرد است و بعد برای زن

قبل از همه باید روشن ساخت چون بیشترین تخلف ممکن در این عرصه از جانب مرد متصور و صورت گرفته لذا حکم و سیاق بحث اولتر از همه برای مرد است. اما در حکم و نتیجه حکم متوجه مرد و زن هر دو یک سان است.

اگر به حکمت و فلسفه قوانین الهی باهمین عقل قاصر خویش نظر بیندازیم در خواهیم یافت که هدف کلی و نهایی از وضع قوانین فقط جهت سعادت و خوشبختی بشر و نظم عادلانه در جامعه و تنظیم بهتر آن مقرر یافته است. این دساتیر، هدایات و احکام که بشریت به آن احتیاج دارند از بارگاه ایزد متعال برای صلاح و فلاح جوامع بشری و افراد آن اند. تخلف و اختیار عکس روش از مقام بزرگی الهی (ج) به صورت قطع نمی کاهد. از جانب دیگر به هر قیمت تلاش به توجیه تخیلی، عقلی بخشی از احکام الهی با بخشی از محاسبات و تفکرات، حدس و گمان ها به این احکام عالیه الهی (ج) مناسب نیست. مناسب نیست تا فریضه روزه را برای انسان مسلمان رژیم برای لاغر شدن و رکوع و سجود را دستوری جهت سلامتی ستون فقرات بدن و نماز را هم وسیله ای برای تسکین آلام روحی و دردها و اضطراب و غیره و غیره بشماریم.

انسانی که خواستار زندگی سعادت‌مندی باشد، نیازمند قانونی برای نحوه زندگی و تأمین سعادت اخروی خویش است. در نظام الهی (ج) قانون و حاکمیت قانون و آنهم یک سان بر شاه و گدا، زورمند و فقیر یکسان است. بر همین اساس، خداوند (ج) اولین انسان یعنی حضرت آدم علیه السلام را شخصی همراه قانون و دارای نبوت آفرید تا هیچ بشری از قانون سعادت بخش الهی (ج) محروم نباشد.

خواننده محترم!

غض البصر:

« غض و غمض » کلمه « یغضوا » از ماده « غض » می باشد. غض و غمض دو لغت است که هر دو در مورد چشم به کار می رود و برخی آن دو را با هم اشتباه می کنند. باید معنای این دو کلمه را نیز مشخص کنیم: « غمض » به معنای برهم گذاردن پلکها است. می گویند « غمض عین » کن. کنایه است از این که صرف نظر کن. چنان که ملاحظه

می کنید این لغت با کلمه « عین » همراه می شود نه با کلمه « بصر ». ولی در مورد کلمه غض می گویند غض بصر و یا غض نظر و یا غض طرف. غض به معنای کاهش دادن است و غض بصر یعنی کاهش دادن نگاه.

به این ترتیب غض البصر اصطلاح عربی است که در لغت به معنای پائین انداختن چشم می باشد .

مفسرین می نویسند : منظور این است که انسان به هنگام سیل کردن و یا هم نگاه کردن معمولاً منطقه وسیعی را زیر نظر می گیرد؛ هر گاه نامحرمی در حوزه دید انسان قرار بگیرد ، چشمان خویش را چنان فرو گیرد که آن نامحرم از منطقه دید مستقیم و عمیق انسان خارج شود، یعنی به او نگاه خیره نکند اما راه و چاه خود را نیز ببیند.

اگر رهنمود زیبای قرآنی را در مورد موضوع «غض البصر» به صورت عمیق مطالعه و مورد تدقیق قرار دهیم با تمام وضاحت در خواهیم یافت که حکم «غض البصر» در قدم نخست برای مرد و در قدم بعدی برای زنها می باشد ، طوری که الله تعالی می فرماید : « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... » و باز در قدم دوم در همین آیت متبرکه ، برای زنها می فرماید : « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ ... »

در (آیات ۳۰ - ۳۱ سوره نور) مبحث حجاب و غض البصر با دقت علمی فورمولبندی و توضیح گردیده است ، طوری که می خوانیم : « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ، وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (ای پیغمبر ! (به مردان مؤمن بگو) آنان موظفند که از نگاه به عورت و زینت نا محرمان (چشمان خود را فروگیرند ، و عورت های خویش را) با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع (مصون دارند ، این برای ایشان زینده تر و محرمانه تر است.)

بیگمان خداوند از آنچه، انجام می دهند آگاه است (و سزاوار جزای رفتارشان می دهد.) و به زنان مؤمنه بگو :

چشمان خود را (از نامحرمان) فروگیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت های خویش را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر ، سینه ، بازو ، ساعد ، گردن ، خال ، گردنبند ، بازوبند) نمایان نسازند ، مگر آن مقدار (از جمال خلقت ، همچون چهره و پنجه دستها) و آن چیزها (از زینت آلات ، همچون لباس و انگشتری و سرمه و خضاب) که (طبیعتاً) پیدا می گردد. و چادر و دستمال سر خویش بر یخن ها ویا وگربیانهایشان آویزان کنند (تا گردن و سینه و اندامهایی که احتمالاً از لابه لای چاک پیراهن نمایان می شو در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا بازو) خود را نمودار نسازند، مگر برای شوهرانشان ... و پاپای های خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش می دارند (جلب توجه کند و صدای خلخال پا هایشان بگوش مردم برسد و) دانسته شود .

ای مؤمنان ! همگی به سوی الله بر گردید (واز مخالفت های که در برابر فرمان خدا داشته اید توبه کنید) تا رستگار شوید .

اگر به مفهوم کلی آیات متبرکه (۳۰ الی ۳۱ سوره نور) نظر بیندازیم پروردگار با عظمت ما به مرد سه دستور اساسی هدایت فرموده است :

۱ - حفاظت چشم ها از نگاه ها: « يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ »

۲ - حفظ عفت و شرمگاه: « وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ »

۳- توبه و رجوع : « وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »

هكذا در قدم بعدی در همین آیت پروردگار با عظمت ما برای زنان شش دستور داده شده است:

- ۱- حفاظت نگاه و چشم ها «يَعُضُّضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (عالم جلیل القدر دیار شام شیخ محمد علی صابونی در روائع البیان جلد دو صفحه ۱۴۸) می نویسد: «نگاه کردن مقدمه واقع شدن در فجور و ... است.»
- ۲- حفظ عفت و شرمگاه: «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»
- ۳- ظاهر نکردن زینت و آرایش «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»
- ۴- پوشیدن چادر و حجاب
- ۵- نکوبیدن پا ها .
- ۶- توبه و رجوع .

که البته این همه دستورات هم برای مرد و هم برای زن ، برای تأمین يك هدف عالی انسانی پیشبینی شده است که آن فلاح و رستگاری فامیل و خانواده هم در دنیا و هم در آخرت می باشد .

مفسران بدین عقیده اند که: این کثرت اوامر و تنوع آنان به زنان در آیات متبرکه ، بیانگر نفوذ پذیری شیطان در آنها و گمراه کردن مردن از طریق آنان می باشد .

در آیت « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (النور: ۳۱) . «بگو برای زنان مؤمن پائین بیندازند برخی از نگاه‌های‌شان را...» تأکید به عمل آمده است که برای زن حرام است که غیر از محارمش به کسی دیگر نگاه کند و تعداد کثیری از علماء بدین باور و عقیده اند که : نگاه کردن زن به مرد اجنبی به صورت مطلق حرام می‌باشد، فرق نمی کند که این دیدن از روی شهوت و گمان فاسد باشد، یا بدون شهوت. به دلیل حدیث ام سلمه که می‌فرماید: روزی من و حضرت میمونه با رسول الله صلی الله علیه وسلم نشستیم بودیم، ناگهان عبدالله بن ام مکتوم که یک صحابی نابینا بود وارد شد، آنحضرت صلی الله علیه وسلم به ما دستور حجاب داد، ام سلمه می‌فرماید: گفتم: یا رسول الله! این شخص نابینا است نه ما را می‌بیند و نه می‌شناسد، آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا شما هم نابینا هستید، آیا شما او را نمی‌بینید (سنن أبو داوود، ج ۲، ص ۲۱۴. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۰۱. و ترمذی گفته: این حدیث حسن و صحیح است.)

طوری که ملاحظه می فرمائید ، این حدیث با کمال وضاحت بیان می‌کند که نگاه مرد و زن اجنبی به یک دیگر مطلقاً حرام است، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به ازواج مطهرات رضی الله عنه دستور داد که از یک شخص نابینا در حجاب باشند، در صورتی که کمترین خوف فتنه هم وجود ندارد، و خداوند در کلام پاکش به طهارت و پاکدامنی آنان گواهی داده است.

همچنان در سوره لقمان آیت ۱۹ از زبان لقمان به فرزندش می گوید: « و اغضض من صوتک؛ صدای خودت را کاهش بده.» (ملازم کن، فریاد نکن).

در معنی کم کردن و پائین کردن چشم ، منظور اینست که نظرش را از چیزهایی که نگاه کردن به آنها شرعاً ممنوع و ناجایز است بگرداند و منظور از حفاظت شرمگاه اینست ، که از تمام صورت‌های ناجایز که جهت اشباع خواهشات نفسانی از آن استفاده می‌گردد شرمگاهش را محفوظ نگه دارد. (زنا، لواطت، سحاق، استمناء بالید، همه اینها امور ممنوعه و محرمة به شمار می‌آیند) آیه فوق شهوت‌رانی را با تمام مقدماتش ممنوع قرار داده و نخستین و مهم‌ترین سبب فتنه، یعنی نگاه و آخرین نتیجه آن را که زنا باشد صراحتاً ذکر نموده و حرام قرار داده است و مقدمات دیگر، مانند: گوش‌نمودن به سخنان یکدیگر، لمس کردن و غیره ضمناً حرام می‌باشند (معارف القرآن، ج ۶، ص ۳۹۸).

نظر کردن زن و مرد به یک دیگر :

علماء نظر را به دو نوع تقسیم نموده اند :

۱- نگاه آلی یا معمولی: (نگاه بدون اراده)

عبارت از نگاهی است که انسان به طور معمول و یا در وقت صحبت کردن به زن نگاه می کند . پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است که به نگاه اول نباید نگاه دوم پیوست گردد . همچنان نباید فرموش کرد که در دین مقدس اسلام نیت در هر عمل شرط می باشد «إِذَا نَمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» .

۲- نگاه استقلالی :

نگاه استقلالی عبارت از نگاهی است که انسان به مو ، لباس و طرز آرایش زن نگاه کند ، که نباید فراموش کرد : که منظور و هدف ممانعت قرآن عظیم الشان از همین « نگاه استقلالی » است . طوری که در حدیث متبر که آمده است : پیامبر صلی الله علیه وسلم به حضرت علی گفته است : « يا علي، لا تتبع النظرة النظرة، فان لك الأولى وليس لك الآخرة » ، یعنی: «ای علی! نگاه دوم، نگاه اول را دنبال نکن زیرا نگاه اول از تو بخشوده است اما نگاه دوم چنین نیست» .

و راه دیگر از جلوگیری از چشم چرانی چشم گرداندن از زن نامحرم از همان اول است، در روایتی از حضرت جبریر رضی الله عنه روایت است که می فرماید : « سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ الْفَجَاءَةِ فَقَالَ: « اصْرِفْ بَصَرَكَ » (روایت مسلم) . (از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد نگرستن ناگهانی پرسش نمودم، فرمود: «چشمت را بگردان» .

فوائد حفاظت نظر:

طوری که در (آیت ۳۰ سوره نور) خواندیم: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» در جمله «ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» «آن پاکیزه تر است برایشان» . این فهم با تمام قوت نهفته است . که حفاظت نظر موجب پاکی و صفای قلب می گردد، چنان که گفته شده: «مَنْ حَفِظَ بَصَرَهُ أَوْرَثَهُ اللَّهُ نُورًا فِي بَصِيرَتِهِ» «هر که نگاهش را حفاظت نماید، خداوند در بصیرت و یا قلبش نوری عطا می فرماید» .

طبرانی از عبدالله بن مسعود (رض) روایت می کند که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ النَّظَرَ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي أَبْدَلْتُهُ إِيمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا فِي قَلْبِهِ» (ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۳) «همانا نگاه، تیری از تیرهای زهرآلود ابلیس است، هر که از ترس من آن را ترک نمود، در عوض چنان ایمانی به او عطا می کنم که شیرینی و حلاوت آن را در قلبش محسوس خواهد کرد» .

ابن ابی الدنيا از حضرت ابوهریر روایت می کند که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كل عين باكية يوم القيامة إلا عينا غضت عن محارم الله وعينا سهرت في سبيل الله وعينا يخرج منها مثل رأس الذباب من خشية الله» (ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۳) «هر چشمی روز قیامت گریان است، مگر آن که به محرّمات نگاه نکرد و آن که در راه خدا بیدار مانده و آن که به اندازه سر مگس از ترس خدا اشک ریخته» .

ابن قیم می فرماید: حفظ نگاه فوائد بی شماری دارد از جمله:

۱- امتثال دستور خداوند که انتهای سعادت است .

۲- مانع از رسیدن اثر تیرهای مسموم ابلیس می باشد .

- ۳- قلب را تقویت نموده خوشحال می‌سازد.
- ۴- قلب انسان را با خدا مأنوس می‌سازد.
- ۵- در قلب، نور الهی پدید می‌آید.
- ۶- فراست صادقانه، برای انسان حاصل می‌گردد.
- ۷- راه مداخله شیطان را مسدود می‌سازد.
- ۸- میان قلب و چشم منفذی است که انفعال یکی بر دیگری اثر می‌گذارد (روائع البیان، ج ۲، ص ۱۵۱).

علت منع مردان و زنان از نگاه ناروا چیست؟

مفسران در توضیح مفهوم متذکره فرموده اند: نگاه کردن بزرگترین خائن روانی است که روان انسان را می‌آزارد چون وقتی ببیند محبت طرف مقابل در دل او جای می‌گیرد و همیشه در فکر و خیال او به سر می‌برد، لذت طاعت و عبادت را نمی‌بیند، در صدد و فکر رسیدن به مطلوب خود خواهد بود، که در این مورد تمام مرزها را رعایت ننموده، و آن را به هم می‌زند.

در سنن ابو داوود (جلد ۲ صفحه ۳۸۳) پوشیدن لباس نازک نزد نامحرم، آرایش و استعمال عطر در خارج خانه اختلاط فساد آمیز زن و مرد، دست دادن و مصافحه با نامحرم، تشابه به جنس مخالف و غیره منع گردیده است.

شان نزول آیت :

در مورد شأن نزول (آیات ۳۰-۳۱ سوره نور) در حدیثی از حضرت علی کریمه الله وجهه روایت است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از راه‌های مدینه مردی با زنی برخورد نموده نگاه‌ها را به همدیگر دوختند، شیطان از فرصت استفاده کرده در قلبشان وسوسه انداخت، نگاه‌ها تندتر و شهوت‌انگیزتر شد، مرد کنار دیواری به راهش ادامه می‌داد، اما نگاهش به زن بود، ناگهان به دیوار خورد و بینی اش شکافته شد. مرد قسم یاد کرد که با همین خون خدمت پیامبر اسلام حاضر شده داستان را برایش بیان می‌کنم، با همین حالت خدمت آن حضرت صلی الله علیه و سلم حاضر شد داستان را باز گفت: پیامبر اسلام در جواب فرمودند: این سزای گناهی است که مرتکب شده‌ای آنگاه خداوند این آیت را نازل فرمود: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَيْدِيهِمْ وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ...» (ابن مردویه هاشم مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۶۵، روح المعانی، ج ۹، ص ۱۳۸).

ممکن است این واقعه قبل از نزول آیت امر به ادناء جلابیب و آیت و قرن فی بیوتکن، باشد، لیکن باز هم ایمان وی او را مجبور می‌کند تا پیش مرشد و راهنمای خویش حاضر شود و او را مطلع سازد تا در آینده راه نجات را برایش تجویز کند.

خداوند با نزول این آیت به بندگان مؤمن دستور داد، تا نگاه‌های شان را از محرمانت باز دارند و جز به مباحات نگاه نکنند، اگر احیاناً نگاه شخصی بدون قصد و اراده به جای حرامی افتاد، فوراً آن را بگرداند. چنان که امام مسلم در صحیحش از جریر بن عبدالله البجلی روایت می‌کند که فرمود: «سَأَلْتُ النَّبِيَّعَنْ نَظَرِ الْفَجَاءَةِ فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِي» (ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۲). «من از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نگاه ناگهانی پرسیدم، به من دستور داد که نگاهم را بگردانم».

آنچه در حدیث حضرت علی کرم الله وجهه آمده که نخستین نگاه معاف و دومی گناه است، منظور همان نگاهی است که بدون قصد و اراده و به طور ناگهانی باشد و آن هم به علت غیر اختیاری بودنش معاف است و اگر قصداً باشد نخستین نگاه هم معاف نیست (معارف القرآن، ج ۶، ص ۳۹۹).

رعایت حق راه

از حضرت ابوسعید خدری روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرْفَاتِ». «از نشستن سر راهها بپرهیزید». صحابه کرام عرض کردند «یا رسول خدا! ما جز نشستن چاره‌ای نداریم، آنجا با همدیگر صحبت می‌کنیم»، آنحضرت فرمودند: «إِنْ أُبَيِّنُمْ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ»، «اگر انکار می‌ورزید پس حق راه را ادا کنید». گفتند: یا رسول الله! حق راه چیست؟ گفت: «غَضُّ الْأَبْصَرِ وَكَفُّ الْأَدْيِ وَرَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ» «پائین انداختن نگاه، اذیت نکردن دیگران، جواب سلام، امر به معروف و نهی از منکر» (بخاری، ج ۲، ص ۹۲۰).

کسانی که محل کارشان بازار است و چاره‌ای جز رفتن ندارند، باید این حقوق را در نظر داشته باشند و آنهایی که رفتن برایشان عادت قرار گرفته سعی کنند که این عادت و خوی زشت را ترک نمایند.

غض بصر فرض است :

در مورد این که حکم «غض بصر» در اسلام فرض است و یا نه! نظر اکثریت مفسرین همین است که چون «غض بصر» حکم قرآنی است بآء فرض می‌باشد، و اگر چنانچه نگاه شخصی اتفاقاً به نامحرمی افتاد، باید فوراً آن را پائین بیندازد، چنان که حضرت بریده روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به حضرت علی فرمودند: «يَا عَلِيُّ لَا تُتْبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَإِنَّ لَكَ الْأُولَىٰ وَلَيْسَتْ لَكَ الْآخِرَةُ» (سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۲۹۹). «ای علی! بعد از نگاه ناگهانی که در نخستین مرحله صورت می‌گیرد، بار دوم نگاه نکن، زیرا نخستین نگاه معاف است و دومی به نفع تو نیست».

نگاه بد :

نگاه بد یکی از امراض مهلک و بسیار خطرناک است و پائین کردن نگاه، بهترین نسخه شفا برای تمام امراض روحانی می‌باشد و با عمل نبودن بر آن باب فتنه و فساد مسدود می‌گردد و بستن راه‌های فتنه و فساد در اسلام دارای اهمیت زیادی می‌باشد.

نباید فراموش کرد که : تمام اتفاقات با نظر و دیدن آغاز می‌شود و منشأ آتش‌های بزرگ از جرقه‌های کوچک است، مادامی که شخص با چشمش زنان زیبا را نگاه می‌کند، باید بداند که در موضوع خطر و زیان است، چه نگاه‌هایی که قلب صاحبان‌شان را هدف قرار می‌دهند و بدون این که کمان و زهی در کار باشد، آنها را چون تیر سوراخ می‌کند، چیزی که چشمش را شاد و مسرور می‌سازد، یقیناً به قلب او ضرر و زیان خواهد رسانید، پس شادی و سروری که زیان به دنبال داشته باشد، نبودنش بهتر است.

اگر انسان به این حکم الهی عمل ننماید، زیان‌های جبران ناپذیری را متحمل می‌گردد و عاقبت و انجام بدی در انتظار وی خواهد بود.

توضیح مختصر بر حدیث حضرت عائشه :

حکم شرعی همین است که نگاه زن به چهره یک مرد بیگانه، اگر از روی شهوت باشد طوری که در فوق هم متذکر شدیم، به اتفاق همه مفسرین حرام است، و اگر بدون شهوت باشد علماء به دو گروه تقسیم شده اند، گروهی قائل به تحریم و گروهی از علماء به جواز قائل اند، لیکن قول اول صحیح‌تر می‌باشد و آیات و روایات مؤید آن نیز می‌باشند.

خدایند می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصُرِهِنَّ...» «به زنان مؤمن بگو که برخی از نگاه‌های شان را پائین بیندازند...». همانطور که به مردان دستور غض بصر داده شده زنان نیز به آن امر شده اند، و به هیچ یک از این دو جنس مجاز نیست که به جنس مخالفش نگاه کند.

و آن حضرت صلی الله علیه وسلم به ام سلمه و میمونه از شخص نابینا، دستور حجاب داد و به آنها فهمانید، که زن نباید به مرد اجنبی نگاه کند، گرچه او آنها را نبیند.

ولی هستند برخی از علماء که بر حدیث حضرت بی بی عائشه استناد نموده بر حکم بر جواز نگاه زن به مرد اجنبی استدلال می‌نمایند: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ يَسْتُرُنِي بِرِدَائِهِ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبَشَةِ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ، حَتَّى أَكُونَ أَنَا الَّذِي أَسَامُ، فَاقْدُرُوا قَدْرَ الْجَارِيَةِ الْحَدِيثَةِ السَّنِّ الْحَرِيصَةِ عَلَى اللَّهِ» (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۸۸، باب نظر المرأة إلى الحبش). (از حضرت عایشه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم مرا با چادرش پنهان نگه می‌داشت، و من به افراد حبشی که در مسجد مشغول بازی و تمرین بودند نگاه می‌کردم تا این که خسته می‌شدم، پس شما اندازه کنید حال دخترهای کمسنی را که بر بازی حریص است).

در اینجا لازم است بدانیم که داستان حضرت عایشه که آن حضرت صلی به وی اجازه تماشا به تمرینات حبشی‌ها را داد، با قول پیامبر صلی الله علیه وسلم که زمان دخول شخص نابینا به خانه ام سلمه آنان را به حجاب دستور داد چه تفاوتی دارد؟

فرق میان این دو روشن است، زیرا همه می‌دانند اگر زن در خانه باشد و بیرون را نگاه کند، با این که زن و مرد اجنبی در یک اطاق باشند تفاوت دارد، در داستان حضرت عایشه او در خانه بود و افراد حبشی بیرون و در مسجد مشغول بازی و تمرین بودند و در داستان ام سلمه عبدالله بن ام مکتوم (نابینا) داخل خانه آمد، لذا مناسب بود که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به آنان دستور حجاب بدهد، زمانی که آنها عنبر نمودند، آن حضرت صلی الله علیه وسلم با الفاظ تندتر، آنان را متوجه ساخت که نگاه زن به مرد، یا مرد به زن، حکمش یکی است و برای هیچ کدام جایز نیست که به دیگری نگاه کند، پس معلوم می‌گردد که آنان قبل از این متوجه این امر نبودند و تصور می‌نمودند که حجاب زمانی واجب است، که برای مرد امکان دیدن زن موجود باشد.

پس حدیث مذکور نشان نمی‌دهد، که حضرت عایشه چهره آنان را نگاه کرد، بلکه بازی و آلات جنگی شان را تماشا می‌کرد، و این مستلزم نگاه به اشخاص نیست و آن حضرت صلی الله علیه وسلم از جهت حسن معاشرت و نیز صغیر السن بودن حضرت عایشه این اجازه را به او داد و این نگاه با نگاهی که با بی‌باکی و در سن جوانی، به شخص اجنبی و نامحرم صورت بگیرد تفاوت دارد. خلاصه این که این دو واقعه از چندین جهت باهم متفاوتند و احتمال فتنه هم در هر دو واقعه به کلی مرتفع می‌باشد و کمترین احتمالی هم وجود ندارد.

امام طحاوی می‌فرماید: داستان حضرت ام سلمه، بعد از نزول حجاب بوده، چنان که از الفاظ حدیث صراحتاً مفهوم می‌گردد، به خلاف حدیث حضرت عایشه که چنین مطلبی در آن موجود نیست، گرچه ممکن است بعد از نزول نوعی از حجاب باشد، زیرا حجاب به تدریج نازل گشته و به احتمال بیشتر حضرت عایشه کاملاً به سن بلوغ نرسیده بود،

چنان که از الفاظ «الْجَارِيَةِ الْحَدِيثَةِ السَّنِّ الْحَرِيصَةِ عَلَى اللَّهِ» این مطلب به خوبی مفهوم می‌گردد (نیل الأوطار، ج ۶، ص ۱۳۳ باب فی نظر المرأة إلى الرجل).

نیز در مؤطا امام مالک از حضرت عایشه روایتی ذکر شده که وی از شخص نابینا حجاب شد، وقتی که به او گفته شد او ترا نمی‌بیند، فرمود: لیکن من او را می‌بینم (نیل الأوطار، ج ۶، ص ۱۳۳ باب فی نظر المرأة إلى الرجل). این حدیث نیز دال بر این است، که نگاه حضرت عایشه به حبشی‌ها قبل از واقعه ام سلمه و قبل از نزول حکم به غض بصر بوده، به همین علت است که حضرت عایشه بعد از آن از فرد نابینا هم حجاب شد و همان جوابی را داد که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به حضرت ام سلمه و میمونه فرموده بود.

برخی از علماء معتقد اند که صورت مرد در حق زن عورت نیست، و نگاه کردن آن بدون خوف فتنه، برای زن خالی از اشکال است، به همین علت است که مردان به نقاب امر نشده اند و زنان مأمور به نقاب هستند تا صورت آنان از دیدن مردان محفوظ بماند، اگر حکم شان یکی می‌بود، مردان نیز به نقاب امر می‌شدند.

در جواب می‌گوئیم: زمانی که خداوند صراحتاً به مردان و زنان دستور پائین کردن نگاه را می‌دهد، جای هیچ گونه بحث و گفت و گو باقی نمانده است، و هیچ ربطی به اندیشه فتنه یا عدم آن ندارد و تنها مواردی مانند نگاه به نامزد یا شهادت و غیره از این امر مستثنی می‌باشند، چنان که در احادیث مذکور اند. **وما علينا الا البلاغ المبين**

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتژییک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحوق لاره- جرمنی